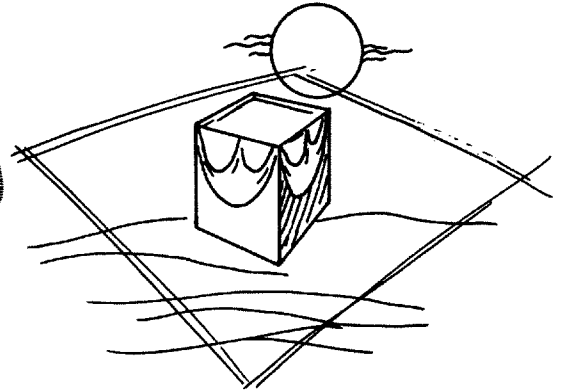


ویژگیهای حرم



محدّر رضا هفت تنانیاں

به سرزمین مکه «حرم» می‌گویند. محدوده حرم در بعضی از جاها تا خارج از مکه نیز امتداد دارد که با علائمی مشخص شده است.

امام باقر علیه السلام محدوده حرم را، به مقدار یک منزل در یک منزل شناسانده است: «حَرَمُ اللَّهِ حَرَمُهُ بَرِيداً فِي بَرِيدٍ»^۱.

علت محدود بودن حرم به این مقدار:

روایتی است در کتاب «من لا يحضره الفقيه» که می‌گوید: «محدوده حرم همین مقدار است، نه کمتر و نه بیشتر؛ زیرا خداوند برای آدم یا قوت سرخی فرستاد و آن را در جای بیت قرار داد و آدم پیرامون آن طواف می‌کرد. نور آن یا قوت تا جایی که امتداد

از آنجا که حج یکی از پایه‌های استوار اسلام است و هر گوشه آن دارای آثار و اسرار و احکام ویژه‌ای است؛ چه افعالی که در حج انجام می‌گیرد و چه مکانهایی که حج را در آنها بجای می‌آورند، همه دارای اسرار و احکام خاصی است که باید آنها را از ثقل اکبر و یا ثقل اصغر گرفت و ما اینک در این مختصر، فقط به بررسی ویژگیهای خاص حرم مکه می‌پردازیم:

محدوده حرم:

سزاوار است پیش از پرداختن به بحث «ویژگی‌های حرم»، محدوده حرم را مشخص و روشن سازیم:

و تلبیه بگویند و این خصوصیت، ویژه این سرزمین است.

ب: ورود به حرم با طهارت:

از آداب و مستحبات داخل شدن به حرم آن است که زائر بیت الله؛ چه قبل از ورود به حرم و چه بعد از آن، غسل کند و با بدن مطهر و پاک قدم در حرم بگذارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وقتی خداوند به ابراهیم علیه السلام امر کرد که حج انجام دهد، ابراهیم در حالی که اسماعیل همراه او بود، حج گزارد. ابراهیم و اسماعیل روی شتر سرخی حج گزاردند و جبرئیل هم با آنها بود تا اینکه به حرم رسیدند، جبرئیل به ابراهیم گفت: ای ابراهیم، فرود آید و غسل کنید پیش از آنکه وارد حرم شوید. پس آنها هم فرود آمدند و غسل کردند.»^۴

خداوند به ابراهیم و اسماعیل دستور داد که خانه اش را برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاک و مطهر کنند^۵ پس زائری که قصد ورود به چنین خانه ای را دارد و می خواهد طواف انجام دهد با بدن پاک و مطهر باشد. حتی در بعضی از روایات، به خوش بویی دهان به هنگام ورود به حرم سفارش شده است. امام صادق علیه السلام فرموده اند: وقتی

داشت علامت گذاری شد و خداوند این مقدار را به عنوان حرم قرار داد.»^۲

آری مکانی را که خداوند متعال به عنوان حرم قرار داده است، باید دارای خصائص ویژه ای باشد که آن سرزمین مقدس را از دیگر سرزمینها ممتاز گرداند.

آداب تشرّف به حرم

الف: ورود به حرم با احرام

برای وارد شدن به حرم، تشریفات خاصّ و آداب ویژه ای است که بدون رعایت آنها، ورود به حرم ممنوع است. بنابراین، هرکس که بخواهد وارد این سرزمین مقدس شود، باید با احرام باشد و تلبیه بگوید و آدابی را که در مناسک بیان شده است رعایت کند. خداوند به خاطر حرمت حرم، احرام را واجب کرد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «حرمت مسجد به خاطر کعبه و حرمت حرم به خاطر مسجد الحرام است و احرام به خاطر حرمت حرم واجب شد.»^۳

گفتنی است: پوشیدن لباس احرام برای ورود به حرم، اختصاص به موسم حج ندارد بلکه در هر زمانی اگر کسی بخواهد وارد حرم شود، باید با احرام باشد

رسیدیم، حضرت پایین آمد و غسل کرد و نعلین هایش را در آورد و در دست گرفت و با پای برهنه وارد حرم شد. من هم همان را کردم که امام علیه السلام انجام داد. آنگاه فرمود: ای ابان، هرکس چنین کاری را که من انجام دادم به خاطر تواضع خدا انجام دهد، خداوند صد هزار گناه از او محو می‌کند و برای او صد هزار حسنه می‌نویسد و صد هزار درجه به او عطا می‌کند و صد هزار حاجت او را برمی‌آورد.^۸

این کار امام علیه السلام گویای آن است که این سرزمین بسیار مقدّس است و این احترام به لحاظ ظاهری این مکان نیست، چون این سرزمین از جهت ظاهری با سرزمین‌های دیگر تفاوتی ندارد، اینجا سرزمینی است که امام علیه السلام خود را بیشتر در محضر خدا می‌بیند؛ چرا که شرافت و تقدّس ویژه‌ای دارد.

بعضی از مکانها، مانند کعبه مشرفه، مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله از منزلت خاصی برخوردارند، مثل بعضی زمانها و ایام که واقعه مهمّی در آن رخ داده و بدان جهت شرافت پیدا می‌کند. اینجاست که خداوند خطاب به موسی می‌فرماید:

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾^۹

می‌خواهید وارد حرم شوید، از گیاه اذخر (که گیاهی است خوشبو) بجوید و ام‌فروه را نیز به این کار سفارش می‌کرد.^۶

مرحوم کلینی در ذیل این روایت می‌گوید: من از بعضی از اصحاب علّت این کار را پرسیدم. آنها پاسخ دادند که این عمل مستحبّ است، زیرا دهان به وسیله آن گیاه، خوشبو می‌شود و با دهان خوشبو حجرالأسود را می‌بوسد.^۷

آری وقتی از حجرالأسود در روایات، به عنوان «یمین الله» نام برده شده و جایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن بوسه زد، سزااست که زائر خانه خدا نیز که با بوسیدن و دست کشیدن به آن، با خداوند بیعت می‌کند با دهان خوشبو باشد.

ج: ورود به حرم بدون کفش

منطقه حرم در نزد خداوند مورد احترام است، پس باید کسانی که می‌خواهند وارد این مکان مقدّس شوند، رعایت ادب را بکنند. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام هرگاه می‌خواست وارد حرم شود، نعلین هایش را از پای در می‌آورد و با پای برهنه وارد می‌شد. ابان بن تغلب گوید: میان راه مکه و مدینه، همراه امام جعفر صادق علیه السلام بودیم، وقتی به حرم

«من پروردگار تو هستم، پس نعلین خود را از پای در آور؛ زیرا اکنون در وادی مقدّس قدم نهاده‌ای!»

د: دعای مخصوص ورود به حرم

مستحب است زائر هنگام ورود به حرم، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِنْ أَجَابِ دَعْوَتِكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعاً لِنَدَائِكَ وَمُسْتَجِيباً لِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الرَّزْفَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمَنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». ۱۰

سز ورود به حرم:

حج مانند تمام عبادات، ظاهری دارد و باطنی، و نیز دارای اسراری است. همان طور که ظاهر اعمال و احکام آن را از وحی می‌گیریم، اسرار آن را نیز باید از زبان وحی

دریافت کنیم.

امام سجاد علیه السلام آنگاه که از حج برمی‌گردد و با شبلی مواجه می‌شود، از وی می‌پرسد: آیا حج گزاردی؟ شبلی پاسخ می‌دهد: آری. امام علیه السلام از اعمالی که انجام داده سؤال‌هایی مطرح می‌کند و می‌پرسد: آیا اعمالت را همراه با آگاهی نسبت به اسرار آن انجام دادی یا نه؟ تا اینکه به این سؤال می‌رسد که آیا داخل حرم شدی و آیا کعبه را دیدی و نماز خواندی؟ شبلی در جواب می‌گوید: بله، امام علیه السلام سؤال می‌کند: موقعی که داخل حرم شدی آیا نیت کردی که بر خودت حرام کنی غیبت و بدگویی از مسلمان را؟ شبلی پاسخ می‌دهد: خیر، امام علیه السلام می‌پرسد: آیا آنگاه که به مکّه رسیدی، نیت کردی که خدا را قصد کنی؟ شبلی پاسخ می‌دهد: خیر.

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: پس تو وارد حرم نشده، کعبه را ندیده‌ای و نماز هم نخوانده‌ای! ۱۱

لزوم حفظ حرمت حرم:

حال که این سعادت نصیب زائر بیت‌الله گشته و وارد سرزمین مقدّس و مبارک حرم شده است، باید از هر آنچه که مرضی خدا نیست و خدا از او نهی کرده،



حرم محل امن است:

از ویژگیهای حرم آن است که خداوند آن را محل امن قرار داد و این هم در اثر دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است که از خداوند خواست مکه را شهر امن قرار دهد، در آنجا که فرمود: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾^{۱۸} خداوند هم دعای او را مستجاب کرد و فرمود: ﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ * وَطُورِ سِينِينَ * وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾^{۱۹} و به عنوان حکم تشریحی امنیت را برای مکه قرار داد.

این سرزمین، هم باید محل امن باشد برای کسانی که در آنجا زندگی می کنند و هم برای کسانی که از خارج می آیند و این دو مطلب از آیات کاملاً روشن است، لذا خداوند این سرزمین را برای اهل آنجا نه تنها محل امن قرار داد، بلکه خطر اقتصادی و گرسنگی را هم از آنها برطرف ساخت: ﴿الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^{۲۰} «به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس آنها را ایمن ساخت»

در جای دیگر می فرماید: ﴿أَوْلَكُم نُمُوكُنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَنَّبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ﴾^{۲۱} «آیا ما حرم مکه را برای ایشان محل آسایش و ایمنی قرار ندادیم، تا به این محل انواع نعمت و ثمرات که ما روزی کردیم

اجتناب کند و در این مکان از ظلم و تعدی به حقوق بندگان خدا بپرهیزد. خداوند در قرآن کریم از مطلق ظلم، در حق بندگانش نهی کرده است و این ظلم اختصاص به یک فعل ندارد. در روایات حتی زدن خادم در حرم به عنوان ظلم معرفی شده است.^{۱۲} یا مثلاً سرقت در شمار ظلم آمده است.^{۱۳} خداوند همچنین به کسانی که در حرم ظلم به دیگران را روا می دارند هشدار داده و آنان را به عذابی که در انتظارشان است، آگاه می سازد؛ ﴿...وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾^{۱۴} «کسانی که در آنجا اراده الحاد و تعدی کرده و به خلق ظلم و ستم کنند همه را عذاب دردناک می چشانیم»

امام رضا علیه السلام می فرماید: اگر کسی یک نفر را در حرم به قتل رساند، حد بر قاتل اجرا می شود، به خاطر اینکه او حرمت حرم را رعایت نکرده است و خداوند فرمود: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ﴾^{۱۵} «هر کس به جور و ستمکاری، به شما دست درازی کند، او را با مقاومت از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسیده است»

خداوند همچنین فرمود: ﴿فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^{۱۶} «ستم به جز با ستمکاران روا نیست»^{۱۷}

از هر طرف بیاورند؟»

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا﴾^{۲۲}

«آیا ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم؟»

گفتیم که این سرزمین برای کسانی که از خارج این حرم می آیند نیز محل امن است و کسانی که وارد این مکان می شوند نباید احساس ناامنی کنند و کسی هم حق ندارد کاری کند که باعث ناامنی در حرم شود؛ ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾^{۲۳}

حتی در روایت است: کسانی که در خارج حرم مرتکب جنایتی شوند و بعد به حرم پناهنده گردند، تا وقتی که در حرم هستند حد بر آنها جاری نمی شود لیکن برای چنین افرادی محدودیت‌هایی اعمال می شود تا ناگزیر از حرم بیرون آید و بعد در خارج حرم حد بر او جاری شود.^{۲۴}

از این روایت استفاده می شود که حرم حتی برای جانی، اگر از حرم به عنوان پناهگاه و محل امن استفاده کند جایگاه امن است و تا آنگاه که خود از آن خارج نشده، کسی حق ندارد حد بر او جاری کند.

امام رضا^{علیه السلام} می فرماید: اگر تو حقی بر عهده کسی داشتی و او را در مکه یا در حرم یافتی، حق خود را از او مطالبه نکن و نیز بر وی سلام نکن تا او نترسد.^{۲۵}

آری، اگر چه این شخص بدهکار، حرم را به عنوان پناهگاه اختیار نکرده، لیکن چون حرم محل امن است، نباید کاری کرد که او احساس ناامنی کند.

حرم، محل امن برای حیوانات

حرم الهی نه تنها جای امن است برای بندگان خدا که حیوانات نیز در آنجا امنیت دارند و هیچ کس حق ندارد حیوانات وحشی و پرندگان را که در حرم مأوی گرفته‌اند شکار کند. گفتنی است این حرمت شکار، اختصاص به محرم ندارد بلکه شامل غیر محرم در حرم نیز می شود. و این ممنوعیت شکار، امتحان الهی است. بدیهی است انسان تا زمانی که لباس احرام نپوشیده و داخل حرم نشده، شکار حیوانات بر او حلال است. اما الآن که محرم شده، شکار بر او حرام گردیده است. و از سویی شکار حیوانات به سادگی میسر است اما خداوند شکار را تحریم کرده و این نیست مگر آزمایش الهی.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾^{۲۶}



«گفتند اگر ما با تو اسلام را، که طریق هدایت است، پیروی کنیم ما را از سرزمین خود به زودی بیرون می‌کنند، آیا ما حرم مکه را برایشان محلّ آسایش و ایمنی قرار ندادیم؟»

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا
وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ﴾^{۲۸}

«آیا کفران ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم در صورتی که در اطرافشان مردم ضعیف را به قتل و غارت می‌ربایند.»

از این دو آیه برمی‌آید که این سرزمین قبل از اسلام نیز مورد احترام و محلّ امن بوده، گرچه در اطراف آن اعراب مورد قتل و غارت بودند.

حرم متعلق به همه است:

در بهره‌مندی از حرم، هیچ کس بردیگری اولویت ندارد و کسی حق ندارد دیگران را در استفاده کردن از این سرزمین منع کند و خود را صاحب این مکان بداند؛

﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِي...﴾^{۲۹}

امیر مؤمنان علیه السلام به والی خود در مکه می‌نویسد: «مردم مکه را وادار کن از کسانی که در مکه سکونت می‌کنند اجاره بها دریافت نکنند.» حضرت آنگاه استشهاد می‌کند به

«ای اهل ایمان، خدا شما را به چیزی از صید می‌آزماید که در دسترس شما و تیرهای شما آیند تا بدانند که چه کسی از خدا در باطن می‌ترسد. پس هر که بعد از این، از حدود الهی تجاوز کند، او را عذاب سخت و دردناک خواهد بود.»

حرم قبل از اسلام نیز محلّ امن بوده است

زندگی اعراب قبل از اسلام، همواره با جنگ و خونریزی و غارت همراه بوده است، لیکن با این حال، همین افراد برای حرم احترام قائل بودند و به ساکنان حرم حمله نمی‌کردند و اموالشان را به غارت نمی‌بردند. مطلب ذیل نشانی است از این حقیقت:

پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه که مردم مکه را به اسلام دعوت کرد، آنها در جواب آن حضرت گفتند: ما می‌دانیم که تو بر حقی، اما اگر ایمان بیاوریم، می‌ترسیم که آنها ما را از سرزمینمان بیرون برانند. خداوند در پاسخ آنان می‌فرماید: «ما این سرزمین را محلّ امن قرار دادیم.»

﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تَتَخَفَتُ
مِنْ أَرْضِنَا أَوْلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ
حَرَمًا آمِنًا﴾^{۲۷}

استفاده کنند و کسی هم نباید برای آنها مزاحمت ایجاد کند، به بهانه اینکه ما نسبت به این سرزمین اولویت داریم!

شرافت مکه به وجود پیامبر ﷺ است:

از مسائلی که در ارتباط با مکه مطرح است، این است که شرافت و قداست مکه به خاطر وجود مبارک پیامبر ﷺ است. اینکه پیامبر ﷺ در آنجا به دنیا آمد و در آنجا اقامت داشت و مردم را به توحید و یگانگی دعوت کرد و خداوند به خاطر وجود آن حضرت که در شهر مکه است، به این شهر قسم می خورد و می فرماید: ﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ﴾^{۳۴}

بدیهی است که اگر پیامبر ﷺ در این شهر نباشد، مکه یک سرزمین معمولی و کعبه یک خانه عادی است و ممکن است رفته رفته به صورت بتکده ای کامل در آید و مرکز بت پرستی شود و در اسارت بت پرستان و شهو ترانان واقع گردد. تا جایی که کلیددار کعبه «ابو غبشان» سرقفلی تولیت کعبه را در شب نشینی مستانه طائف به دو مشک شراب می فروشد و سرپرستی کعبه بین مستان با بهای شراب سرمستان طائف خرید و فروش می شود.^{۳۵}

این آیه از قرآن که: ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...﴾. و آنگاه می فرماید: مراد از «عاکف» مقیمان مکه اند و مراد از «بادی» کسی است که اهل مکه نیست و برای انجام حج به آنجا می آید.^{۳۰}

و از امام صادق ﷺ در مورد آیه ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...﴾ پرسیدند. حضرت فرمود: «سزاوار نیست که خانه های مکه در داشته باشند تا حاجی بتواند وارد خانه های مکه شود و مناسک خود را انجام دهد و اولین کسی که برای خانه های مکه در گذاشت معاویه بود.^{۳۱}

امام صادق ﷺ همچنین می فرماید: علی ﷺ اجازه دادن برای خانه های مکه را مکروه دانسته و استشهاد به آیه ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...﴾ نموده است.^{۳۲}

مرحوم مجلسی به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم در ذیل آیه ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...﴾ آورده است که: اهل مکه و کسانی که از جاهای مختلف به این جا می آیند، مساوی هستند و کسی نباید مانع ورود افراد در حرم شود.^{۳۳}

پس حرم و امکانات آن، از آن همه است و همه مردم می توانند از امکانات حرم برای انجام مناسک و اعمال حج خود



آیه، مکه و حرم است؛ زیرا محلی که پیامبر ﷺ از آنجا به معراج رفت، خانه ام‌هانی بوده، پس همه حرم مسجدالحرام است.»^{۳۸}

شیخ طوسی نیز در کتاب خلاف از این دو آیه استفاده کرده که مراد از مسجد الحرام، حرم است.^{۳۹} بنابراین، در این دو آیه، بر حرم مسجدالحرام اطلاق شده که نشانگر شرافت و تقدس این سرزمین است.

اسناد ربّ به حرم

از نشانه‌های عظمت حرم و حرمت مکه آن است که خداوند خود را به عنوان پروردگار مکه معرفی کرده است.

﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ
الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ
أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾^{۴۰}

«من مأمورم که فقط خدای این شهر، مکه معظمه، را که بیت الحرامش قرار داده پرستش کنم، که خدا مالک هر چیز عالم است و من مأمورم که از تسلیم شدگان فرمان او باشم.»

در این آیه کلمه «ربّ» به «بلده» (مکه) اضافه و اسناد داده شده که این شرافت مکه و حرم است.

از «حرم» به «مسجد الحرام» تعبیر شده

بعضی از مفسران و فقیهان، از بعضی آیات، که در آن «مسجد الحرام» آمده است، استفاده کرده‌اند که مراد از مسجد الحرام حرم است و این نشان از عظمت حرم است که خداوند بر آن مسجد الحرام اطلاق نموده است؛ از جمله آیات، آیه‌های زیر است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ
لِلنَّاسِ سَوَاءً لَعَاكِفٌ فِيهِ وَالْبَاءِ﴾^{۳۶}

«آنان که به خدا کافر شده و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و نیز از مسجدالحرامی که ما حرمت احکامش را برای اهل آن شهر و بادیه نشینان یکسان قرار دادیم.»

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنْ
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى
الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ﴾^{۳۷}

«پاک و منزّه است خدایی که در شبی بنده خود (محمد) را از مسجد الحرام به مسجد اقصا فرستاد، مسجدی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت.»

صاحب مجمع البیان، در ذیل این آیه می‌نویسد: «مراد از مسجدالحرام در این

کراهت اقامت در مکه و علت آن

از مسائلی که درباره مکه مطرح است، کراهت سکونت در این شهر می‌باشد. البته چنین نیست که زندگی در آن مکان مقدس خودبخود کراهت داشته باشد، بلکه به معنای آن است که چون مکه و حرم مقدس است، ممکن است نسبت به آنجا بی‌احترامی شود و در اثر آن گرفتار عذاب الهی گردد؛ «وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ»^{۴۱}

به استناد تفسیری که از امام صادق علیه السلام رسیده، آن حضرت اقامت در مکه را کراهت داشتند.^{۴۲}

همچنین در صورت سکونت در مکه خوف آن هست که انسان در حرم و مکه مرتکب گناه شود و کیفر گناه در مکه مضاعف است.^{۴۳}

طبق بیان برخی روایات، ماندن و اقامت گزیدن در مکه قساوت قلب می‌آورد. شاید علتش این باشد که اثر گناه در این مکان بیشتر است و لذا ساکن شدن در مکه، در روایات مکروه دانسته شده و در بعضی از روایات دستور داده‌اند که وقتی از مناسک و اعمال حج فارغ شدید در مکه نمانید و به وطن برگردید.

همان طور که گناه در مکه کیفر

مضاعف دارد، ثواب عمل خیر و عبادت نیز چندین برابر است. از امام سجّاد علیه السلام روایت شده است که:

«اگر کسی در مکه قرآن را ختم کند نمی‌میرد مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله را می‌بیند و جایگاهش را در بهشت مشاهده می‌کند و تسبیح در مکه معادل با خراج کوفه و بصره است که در راه خدا اتفاق کند و اگر کسی در مکه ۷۰ رکعت نماز بخواند و در هر رکعت سوره توحید و قدر آیه سخره و آیه الکرسی را بخواند نمی‌میرد مگر شهید. غذا خوردن در مکه مثل روزی گرفتن در غیر مکه است و یک روز روزه گرفتن در مکه معادل یک سال روزه گرفتن در غیر مکه است و راه رفتن در مکه عبادت است.»^{۴۴}

از این روایت و دیگر روایات استفاده می‌شود که صرف اقامت و ساکن شدن در مکه کراهت ندارد و این کراهت به خاطر آن خصوصیتی است که گفته شد.

صاحب جواهر از شهید نقل می‌کند که او بین این دو دسته از روایات را اینگونه جمع کرده است:

«اگر کسی به خودش اطمینان داشته باشد که در مکه تخلف نمی‌کند، مستحب است در آنجا بماند.»^{۴۵}



اراده و نیت گناه در مکه

آنگونه که از روایات استفاده می‌شود، برای نیت و اراده گناه، چیزی نوشته نمی‌شود؛ یعنی اگر کسی اراده و نیت گناه کند، لیکن آن را به مرحله عمل درنیآورد و مرتکب آن نشود، خداوند سینه‌ای برایش نمی‌نویسد.

امام صادق علیه السلام گوید: «خداوند خطاب به حضرت آدم علیه السلام فرمود: من برای تو مقرّر کرده‌ام که اگر کسی از ذریه تو اراده گناه کرد چیزی برای او نوشته نمی‌شود و اگر آن را انجام داد برایش ثبت می‌شود و اگر اراده عمل صالحی را کرد، گرچه آن را انجام ندهد، خداوند یک حسنه برای او می‌نویسد و اگر آن را انجام داد، ده حسنه برای او می‌نویسد.»^{۴۶}

حتی در بعضی از روایات، در مورد کسی که معصیتی را مرتکب شود، آمده است:

«خداوند به او مهلت می‌دهد که اگر پشیمان شد و استغفار کرد برایش چیزی ننویسند. (در بعضی از روایات مهلت هفت ساعت مشخص گردیده است.) و اگر در آن مهلت مقرّر، استغفار نکرد، خداوند برای او یک سیئه ثبت می‌کند.»^{۴۷}

با اینکه از روایات استفاده می‌شود که

خداوند بسیار آمرزنده و بخشنده است و از گناهان بندگان می‌گذرد، اما نسبت به کسی که در مکه گناه کند، اولاً: کیفر آن را مضاعف قرار داده است. ثانیاً: برای کسی که اراده گناه کند، گرچه آن را انجام هم ندهد گناه برای او نوشته می‌شود.

در بحار الأنوار از پیامبر صلی الله علیه و آله روایتی نقل شده که آن حضرت فرمود: «اگر کسی تصمیم بگیرد که در مکه گناهی مرتکب شود گرچه آن را انجام ندهد، خداوند گناهی برای او می‌نویسد.» حضرت آنگاه فرمود: زیرا خداوند فرموده است: ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾^{۴۸} «و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم بیالاید، عذابی دردناک به او می‌چشانیم.» و این ویژگی و خصوصیت در شهر دیگری وجود ندارد. پیامبر صلی الله علیه و آله آنگاه می‌افزاید: «اصحاب فیل فقط اراده کردند که کعبه را خراب کنند ولی خداوند آنها را عذاب کرد پیش از آنکه کاری را انجام دهند.»^{۴۹}

فضیلت دفن شدگان حرم

از آنجا که حرم دارای شرافت و قداست ویژه‌ای است، این امر موجب در امان بودن کسی می‌شود که در حرم بمیرد و

صدد بیان احکام این اماکن چهارگانه نیستیم و نمی‌خواهیم بحث استدلالی این مسأله را مطرح کنیم چرا که این مطلب نیازمند به تحقیق جداگانه‌ای است.

«اما خلاصه اینکه در بسیاری از روایات و همچنین فتوای عده‌ای از فقها که مسافر مخیر است در خواندن نماز بین قصر و تمام عنوان حرم مکه مطرح است، اگر چه نسبت به خود مسجدالحرام مورد توافق اقسام است اما در باب حرم مکه عده زیادی از فقها به این فتوا داده‌اند که در تمام حرم مکه، مسافر مخیر بین تمام و قصر است.

تذکر این نکته لازم است که امام خمینی رحمته‌الله قائل است که تخیر در نماز مختص به مسجدالحرام است البته با توسعه‌ای دارد اما عده‌ای از مراجع فعلی قائلند که این حکم اختصاص به مسجدالحرام ندارد بلکه تمام مکه را شامل می‌شود.»^{۵۲}

روایات زیادی هم داریم که اثبات می‌کند تخیر در کل حرم مکه است.

علی بن یقظین عن ابی الحسن رحمته‌الله:
«في الصلاة بمكة قال من شاء أتمّ ومن شاء قصر.»^{۵۳}

علی بن یقظین از امام کاظم رحمته‌الله در مورد نماز در مکه نقل می‌کند که فرمود: اگر

در آنجا دفن شود. راوی می‌گوید از امام صادق رحمته‌الله شنیدم که فرمود: «کسی که در حرم دفن شود از فزع اکبر در امان است. پرسیدم چه نیکوکار باشد و چه فاجر؟! حضرت فرمود: چه نیکوکار باشد و چه فاجر.»^{۵۰}

علی بن سلیمان گوید از امام رحمته‌الله پرسیدم: «اگر کسی در عرفات مرد، در همانجا دفن شود یا به حرم منتقل گردد؟ حضرت فرمود: او را به حرم انتقال دهند و در آنجا دفن شود؛ زیرا حرم افضل است.»^{۵۱}

این خصوصیت حرم نیز نمایانگر آن است که آنجا نزد خداوند عزیز و دارای حرمت است و با این ویژگی از دیگر مکانها برتر و ممتاز می‌شود.

تخیر نماز در حرم

همانگونه که می‌دانیم، مسافر باید نمازش را قصر بخواند، اما این مسأله استثناهایی هم دارد که از آن جمله است نماز خواندن در اماکن چهارگانه: مکه، مدینه، مسجد کوفه و حائر حسینی که در اینجاها مسافر مخیر است میان «قصر» و «تمام». البته در اینجا مباحث فقهی و استدلالی زیادی مطرح است که ما اینک در



علّت اینکه در این اماکن می‌توان نماز را تمام خواند:

در مورد اینکه چرا در این اماکن چهارگانه مسافر می‌تواند نمازش را به صورت تمام بخواند، در روایات گفته است که سرّ و حکمت این امور را کسی جز خدا و ائمه علیهم‌السلام که همان راسخین در علم هستند نمی‌دانند. پس بعضی از روایات دلالت دارد که علم این امر پیش خدا است مثل این روایت: عن أبي عبد الله عليه السلام قال من مخزون علم الله الاتمام في أربعة مواطن، حرم الله وحرم رسوله صلى الله عليه وآله وحرم امير المؤمنين وحرم الحسين بن علي عليهما السلام؛^{۵۶} «امام صادق عليه السلام می‌فرماید: از جمله چیزهایی که علمش پیش خدا مخزون است نماز را به صورت تمام خواندن در حرم خدا و حرم رسول خدا صلى الله عليه وآله و حرم امیر المؤمنین و حرم امام حسین عليه السلام است.»

عن ابي عبد الله عليه السلام إنّ من الأُمّار المذخور الاتمام في الحرمین؛^{۵۷} امام صادق فرمود: «امری که پیش خدا نذیره شده تمام خواندن نماز در حرمین است.»

اما روایتی که دلالت دارد که علّت تمام خواندن نماز در حرمین را ائمه می‌دانند و علم آن در پیش آنها است.

عن سمیع عن ابي ابراهيم عليه السلام قال:

خواست تمام بخواند و اگر خواست قصر بخواند.

عن زياد القندي قال: قال ابوالحسن عليه السلام: «يا زياد أحبّ لك ما أحبّ لنفسي وأكره لك ما أكره لنفسي، اتّمْ الصلاة في الحرمین وبالكوفة وعند قبر الحسين عليه السلام».^{۵۴}

امام موسی کاظم عليه السلام فرمود: «ای زیاد دوست دارم برای تو آنچه که برای خودم دوست دارم و کراهت دارم برای تو آنچه که برای خودم کراهت دارم. نماز را در حرمین و کوفه و نزد قبر حسین عليه السلام تمام بخوان.»

عن ابراهيم بن شيبه قال: كتبتُ الى ابي جعفر عليه السلام أسأله عن اتّمام الصلاة في الحرمین، فكتب إليّ: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يحبّ اكثار الصلاة في الحرمین فأكثر فيهما وأتمّ».^{۵۵}

ابراهیم بن شیبه می‌گوید نامه‌ای برای ابی جعفر عليه السلام نوشتم و از او سؤال کردم در مورد تمام خواندن نماز در حرمین؟ در جواب من فرمود: پیامبر صلى الله عليه وآله زیاد نماز خواندن در حرمین را دوست داشت پس تو هم در حرمین زیاد نماز بخوان و نمازت را تمام بخوان.»

مبسوط، خلاف و نهاییه نقل می‌کند که آنان نیز بر این نظریه هستند.^{۶۰}
 امام خمینی رحمته الله در تحریر الوسیله می‌فرماید:

«اگر قتل در ماههای حرام: رجب و ذی‌القعده و ذی‌الحجه و محرم، رخ دهد، بر قاتل است که به خاطر تغلیظ و شدت، یک دیه و ثلث دهد، از هر جنسی که باشد و همچنین است اگر قاتل قتل را در حرم مکه معظمه مرتکب شود.»

کسانی که این نظریه را قائلند، یکی از ادله آنها روایات است؛ از جمله آنهاست روایت زیر:

عن زرارة قال: قلت لأبي جعفر عليه السلام:
 «رجل قتل رجلاً في الحرم؟ قال: عليه دية وثلث».^{۶۱}

زراره می‌گوید از امام صادق عليه السلام در مورد مردی که مردی را در حرم بکشد، پرسیدم. امام عليه السلام فرمود: «باید یک دیه کامل و یک سوم دیه بپردازد.»

پس، از این مطالب و احادیث می‌توان استفاده کرد که این مکانها مورد احترام هستند و کسی نباید در اینها تعدی کند و حرمت را بشکند.

«کان ابی یری لهذین الحرمین ما لا یراه لغيرهما ویقول إنّ الاتمام فیهما من الامر المذخور»^{۵۸}؛ امام کاظم فرمود: «پدرم برای این دو حرم چیزی می‌دید که برای غیر آن دو نمی‌دید و می‌فرمود: اتمام نماز در آن دو امرش نذخیره شده.»
 صاحب جواهر در مورد این چند روایت احتمال دیگری هم داده است و آن این است که نمازی که در حرم خوانده می‌شود ثوابش را خدا می‌داند و اجر آن مخزون و در پیشگاه خداوند است.^{۵۹}

افزایش مجازات قتل در حرم

همان طور که بعضی از زمانها در افزایش دیه تأثیر گذار است؛ مانند قتل در ماههای رجب، ذی‌القعده، ذی‌الحجه و محرم (ماههای حرام)، که قتل در این ماهها باعث می‌شود یک دیه کامل و یک سوم دیه پرداخت شود، همچنین قتل در بعضی از مکانها نیز باعث می‌شود یک دیه کامل و یک سوم دیه پرداخت شود، همچنین قتل در بعضی از مکانها نیز باعث ازدیاد دیه می‌شود مثل اینکه بعضی از فقها قتل در حرم را باعث افزایش دیه دانسته‌اند و گفته‌اند: باید یک دیه کامل و یک سوم دیه پرداخت شود. صاحب جواهر از مقنعه،



کندن درخت حرم حرام است:

از ویژگی‌ها و خصوصیات حرم، حرمت کندن درخت آن است و این مختص محرم نیست، بلکه غیر محرم نیز حق کندن درخت حرم را ندارد. تا آنجا که اگر اصل و ریشه درختی در حرم باشد و شاخه‌هایش بیرون حرم، کندن شاخه‌های آن درخت حرام است؛ چرا که اصلش در حرم است و اگر ریشه درختی در بیرون حرم باشد و شاخه‌هایش در حرم، باز هم کندن آن حرام است، چرا که شاخه‌هایش در حرم است.^{۶۲}

گفتنی است اگر کسی درخت حرم را قطع کند باید کفاره بپردازد. برای اطلاع بیشتر از جزئیات آن، به مناسک رجوع شود.

لقطه حرم

اگر مالی در غیر حرم پیدا شود و کمتر از یک درهم باشد جایز است کسی که آن را یافته، بردارد و تملک کند و نیازی به تفحص از مالک ندارد. و اگر مالش پیدا شد باید به او بدهد. و اگر کسی مالی که بیشتر از یک درهم است، در غیر حرم بیابد، باید صاحبش را پیدا کند، پس در صورت پیدا نشدن صاحبش می‌تواند آن را با ضمان

تملک کند و یا از طرف مالکش صدقه بدهد و اگر مالکش پیدا شد و راضی به صدقه نبود باید به او بدهد و ضامن است و یا اینکه آن را به طور امانت نگهداری کند بدون ضمانت.

اما اگر لقطه را در حرم یافت؛ اگر لقطه حرم کمتر از یک درهم باشد، بعضی گفته‌اند که برداشتن آن حرام است و به آیه **﴿أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مَّأْمِنًا...﴾**^{۶۳} استدلال کرده‌اند.^{۶۴}

و همچنین به اخبار نیز تمسک کرده‌اند که بدان خواهیم پرداخت. البته بعضی برداشتن این نوع از لقطه حرم را مکروه دانسته‌اند، اما اگر آنچه که در حرم پیدا می‌کند بیشتر از درهم باشد، باز هم برداشتن آن حرام است و بعضی هم گفته‌اند کراهت شدید دارد.

و اگر کسی آن را برداشت باید تا یک سال مالکش را جستجو کند، در صورتی که او را پیدا نکرد باید صدقه بدهد اگر بعد از آن صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نبود، باید مثل و یا قیمت آن را به او بدهد و یا اینکه آن را به صورت امانت پیش خود نگه دارد. در هر صورت نمی‌تواند تملک کند و اگر قصد تملک کرد مالک نمی‌شود و ضامن هم هست. نظر امام خمینی رحمته الله در

سنگ‌هایی که برای جمرات است، باید از حرم باشد

از اعمال واجب در منا، رمی جمرات است، سنگ‌هایی که در جمرات از آنها استفاده می‌شود، باید از حرم جمع‌آوری شود و از خارج حرم صحیح نیست.

عن زرارة عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «حصى الجمار أن أخذته من الحرم اجزأك وإن أخذته من غير الحرم لم يجزئك».^{۶۹}
 امام صادق عليه السلام فرمود: «اگر سنگهای جمرات را از حرم جمع‌آوری کنی تو را کفایت می‌کند و اگر از غیر حرم جمع کنی کافی نیست.»

دو مکان از حرم استثنا شده و نمی‌شود از آنجا سنگها را جمع کرد؛

۱- مسجد الحرام. ۲- مسجد خیف.

با اینکه این دو مکان جزو حرم هستند لیکن استثنا شده‌اند.

* عن أبي عبد الله عليه السلام: «يجوز أخذ حصى الجمار من جميع الحرم إلا من المسجد الحرام ومسجد الخيف».^{۷۰}

امام صادق فرمود: «جایز است که سنگهای جمرات از تمام حرم جمع‌آوری شود مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف.»

البته مستحب است که حاجی این

لقطه بیشتر از یک درهم، همین است.^{۶۵}

خلاصه اینکه: در مطلق لقطه حرم بعضی گفته‌اند برداشتن آن حرام است و بعضی هم گفته‌اند کراهت شدید دارد. حضرت امام خمینی رحمته الله در این مورد فرموده است: اگر در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد بلکه احتیاط در برداشتن است.^{۶۶}

روایات ذیل براین مسأله دلالت دارند:

* عن الفضيل بن يسار قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن لقطه الحرم، فقال: «لا تمسّ أبداً حتّى يجيء صاحبها فيأخذها».^{۶۷}

فضیل بن یسار از امام صادق عليه السلام در مورد لقطه حرم پرسید، حضرت فرمود: «به آن دست نزن تا اینکه صاحبش بیاید و آن را بردارد.»

* علی بن حمزة قال: سألت العبد الصالح عن رجل وجد ديناراً في الحرم فأخذه؟ قال: «بئس ما صنع، ما كان ينبغي له أن يأخذه».^{۶۸}

علی بن حمزه از امام عليه السلام در مورد مردی که دیناری را در حرم پیدا کرده و آن را برداشته است، پرسید، امام عليه السلام فرمود: «بد کاری کرده است، سزاوار نیست که آن را بردارد.»

اگر در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها، از فقر می‌ترسید، خدا شما را به فضل و رحمت خود از خلق و مشرکان بی‌نیاز خواهد کرد.»

به قرینه جمله «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً» معلوم می‌شود که مراد از مسجدالحرام حرم است.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ...» از آنجا که شروع معراج پیامبر ﷺ از خانه ام‌هانی بوده، معلوم می‌شود که مراد از مسجدالحرام حرم است. پس مشرکان حق دخول در حرم را ندارند.

۲- روایاتی که دلالت بر تعظیم و قداست حرم دارد، دلیل است که حرم باید از وجود مشرکان پاک باشد.

۳- امام صادق ﷺ فرمود: «اهل ذمه نباید داخل حرم و دارالهجره شوند و باید از آن خارج گردند؛ «لا يدخل أهل الذمة الحرم ولا دار الهجرة ويخرجون منها».

از آن جهت که مشرکان حق ورود به حرم را ندارند، اگر سفیری برای اهل حرم بیاید، نباید داخل حرم شود، بلکه امام کسی را می‌فرستد تا با او گفتگو کند و اگر خواست به‌طور مستقیم با امام به گفتگو

سنگها را از مشعر الحرام (مزدلفه) جمع کند.

«عن زرارة عن أبي عبد الله ﷺ قال: «سألته عن الحصى التي رمى بها الجمار؟ فقال: يؤخذ من جمع وتؤخذ بعد ذلك مني».^{۷۱}

زراره از امام صادق ﷺ درباره سنگهایی که با آن رمی جمرات می‌کنند، پرسید، حضرت فرمود: «از مشعر جمع آوری شود و بعد از آن، از منا.»

ورود کفار به حرم ممنوع است:

از دلایل و نشانه‌های احترام و تقدس حرم آن است که ورود کفار به آنجا جایز نیست. صاحب جواهر می‌گوید: شیخ و فاضل بر این نظریه معتقدند و به چند چیز استدلال کرده‌اند:

۱- بر حرم اطلاق مسجد الحرام شده است:

«إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ».^{۷۲}

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بدانید که مشرکان نجس و پلید هستند و بعد از این سال نباید به مسجدالحرام قدم بگذارند و

گفتن محروماند و نمی‌توانند احرام ببندند یکی از شرایط ورود به حرم، محرم بودن است، لذا مشرکین حق ورود به منطقه حرام را ندارند.

بپردازد، امام از حرم خارج می‌شود و در خارج حرم با او گفتگو می‌کند.^{۷۳} افزون بر همه اینها، چون افراد غیر مسلمان از سعادت احرام بستن و لبیک

● پی‌نوشتها:

- ۱- التهذیب، ج ۵، ص ۲۸۱
- ۲- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ۱۹۲
- ۳- وسائل الشیعه، باب ۱، ابواب احرام، ح ۵
- ۴- وسائل، باب ۱، ابواب مقدمات طواف، ح ۳
- ۵- بقره: ۱۲۵
- ۶- کافی، ج ۴، ص ۳۹۸
- ۷- همان.
- ۸- همان.
- ۹- طه: ۱۲
- ۱۰- من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۹
- ۱۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۶۷
- ۱۲- وسائل الشیعه، باب ۶، ابواب مقدمات طواف، ح ۱
- ۱۳- همان.
- ۱۴- حج: ۲۵
- ۱۵- بقره: ۱۹۴
- ۱۶- بقره: ۱۹۳
- ۱۷- مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۲۳
- ۱۸- بقره: ۱۲۶
- ۱۹- تین: ۳
- ۲۰- قریش: ۳
- ۲۱- قصص: ۵۷



- ۲۲- عنکبوت: ۶۷
- ۲۳- آل عمران: ۹۷
- ۲۴- کافی، ج ۴، ص ۲۲۶
- ۲۵- مستدرک، ج ۹، ص ۳۳۳
- ۲۶- مانده: ۹۴
- ۲۷- قصص: ۵۷
- ۲۸- عنکبوت: ۶۷
- ۲۹- حج: ۲۶
- ۳۰- نهج البلاغه، نامه ۶۷
- ۳۱- بخار، ج ۹۶، ص ۸۲
- ۳۲- همان، ص ۸۱
- ۳۳- همان.
- ۳۴- بلد: ۱۰۲
- ۳۵- صهای صفا، آیه الله جوادی آملی، ص ۱۷۵
- ۳۶- حج: ۲۵
- ۳۷- اسراء: ۱
- ۳۸- مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۹۶
- ۳۹- حج ابراهیمی، عمید زنجانی، ص ۷۰
- ۴۰- نمل: ۹۱
- ۴۱- حج: ۲۵
- ۴۲- صهای صفا، آیه الله جوادی آملی، ص ۲۲
- ۴۳- کافی، ج ۴، ص ۱۹۶
- ۴۴- جواهر، ج ۲۰، ص ۷۲
- ۴۵- همان.
- ۴۶- کافی، ج ۲، ص ۴۴۰
- ۴۷- همان، ص ۴۳۷
- ۴۸- حج: ۲۵
- ۴۹- بخار، ج ۹۶، ص ۳۴۶
- ۵۰- وسائل، باب ۴۴، ابواب مقدمات طواف، ح ۱
- ۵۱- همان، ح ۲

- ٥٢- مناسك محشى، مسألة ١٣١٦
- ٥٣- وسائل، باب ٢٥، ابواب صلاة مسافر، ح ١٠
- ٥٤- همان، ح ١٣
- ٥٥- همان، ح ١٨
- ٥٦- همان، ح ١
- ٥٧- همان، ح ٢٠
- ٥٨- همان، ح ٢
- ٥٩- جواهر، ج ١٤، ص ٣٣١
- ٦٠- جواهر، ح ٤٣، ص ٢٦
- ٦١- كافي، ح ٤، ص ١٤٠
- ٦٢- وسائل، باب ٩٠، ابواب تروك احرام، ح ١
- ٦٣- عنكبوت: ٦٧
- ٦٤- شرح لمعه، ج ٧، ص ٩٢
- ٦٥- مناسك محشى، مسألة ١٣٣٢، تحرير الوسيله، كتاب لقطه، مسألة ٦
- ٦٦- مناسك محشى، مسألة ١٣٣٠
- ٦٧- وسائل، باب ٢٨، ابواب مقدمات طواف، ح ٢
- ٦٨- همان، ح ٣
- ٦٩- وسائل، باب ١٩، ابواب وقوف به مشعر، ح ١٩
- ٧٠- همان، ح ٢
- ٧١- همان، باب ١٨، ح ٢
- ٧٢- توبه: ٢٨
- ٧٣- جواهر، ح ٢١، ص ٢٨٨